



نوشته از بصیردهزاد

## به کی و به چه میتوان اعتماد نمود و به کدام قول و وعده ها میتوان باور نمود ؟

یک تبصره و پیام

این پیام من برای کیست؟ :

- به آنانکه چپ اشاره میدهند و طالبی میاندیشند.
- به آنانکه میگویند : باید به طالبان وقت داده شود همه چیز تغییر میکند.
- به آنانکه از وحدت ملی خلقهای زحمتکش افغانستان!!! حرف میزنند ولی به شکلی در برابر برخورد های تعصب آمیز و تک گروهی و تک قومی طالبان لب از لب شور نمیدهند و با دلگرمی در گوش یکدیگر، پس پس کنان ، عقده گشائی میکنند.
- به آنانکه به بهانه و عنوان تجاران قوم و زبان، دلالتان معامله گران سیاسی در برابر منافع و حقوق حقه تمام ملت کثیر القومی افغانستان ماهرانه حرف میزنند و حرف میفروشند.
- به آنانکه در زیر سایه و پرده چرکین حکومت خبیث و محور شرارت پاکستان به خاطر امیال مزورانه آن مارش کنان روانه اسلام آباد شدند و به خاطر حفظ جا ه و جلال و دارائی های عامه را که در بیست سال گذشته غضب و غارت نموده بودند و بر ملت و اقوام زیر ستم شان ناز کرشمه میفروختند ، با پالیسی شیطانی استخبارات و سردمداران پاکستان دل بستند و به درگاه بوسی رفتند و بلاخره ریشخند خلق خدا شدند و « هم از زاغ ماندند و هم از رزاق» .
- بلاخره به حکومت های منطقه که روی منافع خود شان میخواهند روی منافع ملی ، حقوق انسانی شهروندی مردم افغانستان پاگذارند و راه یک معامله جدید با طالبان را بازنمایند.

باید به واقعیت های زیر تن داد . زمان آن رسیده است که همه فکر و، اندیشه و عمل را در جهت رد و محکومیت پلان های سوپر شیطانی ایالات متحده آمریکا اهداف و اعمال ضد انسانی طالبان ، بحیث عقب مانده ترین، دروغگو ترین و تنگنظر ترین موجودات در جهان متمدن کنونی و بلاخره کور ترین گروه در عصر پیشرفت ها و تکامل مغز و دانش های انسانی متمرکز ساخت و ملی و و وطنپرستانه عمل کرد و همه توانائی های اندیشه، مغز، زبان و قلم را با هم گره زد ، از خواست ها و نیاز های مشروع و حقوق حقه مردم افغانستان بخصوص ، نسل جوان، گروه های اثنیکی، زنان و اطفال دفاع نمود. باید برای همه ملتی باندیشید که هر فرد آن از پکتیا تا بدخشان، از کنر تا جوزجان و فاریاب ، از بلخ تا قندهار ، از

هرات تا هلمند و فراه و نیمروز و از بامیان و دایکندی تا غوروات، نورستان و بادغیس و بلاخره از کابل تا پنجشیر و پروان و سمنگان صاحبان اصلی و تاریخی این سرزمین اند.  
برای اثبات ادعای من لطفن این فاکت های تازه واقع شده را به ارزیابی اخلاقی و وجدانی خویش قرار دهید:

۱- ایالات متحده آمریکا با تمام جنایاتش در افغانستان و معامله شرمآور دوحه ، اکنون بار همه گناه و ملامتی را بالای مردم ما میاندازد که گویا این مردم مستحق وحدت ملی و یک ملت واحد نیستند.

۲- پاکستان، روسیه و چین بخاطر رقابت های منطوقی و جهانی با حریف اصلی اش ایالات متحده آمریکا میخواهند با طالبان جور آمد کنند و در برابر این جورآمد حقوق مدنی، دموکراسی و آزادی های سیاسی و حقوق شهروندی مردم افغانستان را ، فقط بخاطر منافع خود شان، پشت پا زنند و با دیکتاتوری طالبانی کنار آیند.

۳- طالبان همان چال کهنه را که گویا شاه سابق دوباره میآید، بیست سال قبل در روز های قبل از رسیدن به قدرت شان بکار برده بودند که بدون شک منبعث از استخبارات پاکستان بوده است ، اکنون بعد از بیست سال تبلیغ نمودند که گویا جلالی بحیث رئیس حکومت موقت و همه شمول به کابل میآید.

۴- طالبان گفته بودند که داخل کابل نمیشوند ولی گروه مخفی از شاخه حقانی حوالی ساعت هشت صبح آماده ورد به ارگ شده بودند. آقای کرزی در طول ساعات صبح تقاضای ورد نظامیان طالب را به داخل شهر نموده بود.

۵- خلیل زاد «خلل زاد» که بار گناه را به گردن اشرف غنی میاندازد، به مانند گفته عامیانه مردم کابل که : « دیگ به دیگچه میگوید که رویت سیاه». در حالیکه هر دو (تیم) تنظیم کننده و تطبیق کننده سقوط نظام و انحلال ارتش شده اند. در واقع آمریکا دروغگو، سردمداران حکومت پاکستان دروغگو ، تیم اشرف غنی دروغگو و طالبان دروغگو ، چهار ضلع یک مربع در یک معامله و پلان استعماری نقش بازی نمودند.

۶- پاکستان با کش و فش چند چهره بدنام، نا کارا و معامله گر را که در جریان بیست سال اخیر به سمبول های تجارت قوم و مذهب، غارت دارائی های عامه و کوتاه فکران سیاسی مشهور اند، تحت بهانه گویا مذاکرات پیرامون تشکیل حکومت وسیع و با شرکت زنان فریب داد. این در زمان صورت گرفت که پلان ورود طالبان به کابل در همان معادله چهار ضلعی قبلن نهائی شده بود. حالا باید از این چهره ها سوال نمود : از کجا آمده ید و با خود چه آورده اید؟ بدون شک باید جواب آنها این باشد که : « از شهر شرارت پیام خجالت از بهر ذلالت».

به نظر من این آقایان یکی از کاراترین وسیله معامله و فریب توسط حاکمان شیطان صفت پاکستان قرار گرفتند و بعد به حیث « لته .... ناپاک دور انداخته شدند. خدا کند این چهره های نا کارا و معامله گر یکبار دیگر وسیله بدنامی ، فریب و سازش بر ضد حرکات دادخواهانه و حق طلبانه مردم افغانستان در داخل وخارج کشور قرار نگیرند .

۷- طالبان گفتند ما حکومت را میسازیم که در آن همه حلقات و گروه های قومی ، اجتماعی ، سیاسی و مذهبی خود را دریابند. طالبان وقت کافی کمائی نمودند و مردم را مزورانه فریب دادند ولی اکنون به تشکیل یک حکومت تک قومی ، تک مذهبی و تک گروهی دست یازیدند که از این حکومت نمیتوان بجز از یک حکومت ضد ملی، ضد انسانی و ضد حتی اپتدائی ترین حقوق مدنی و سیاسی تعریف دیگری ارائه داد. اکنون با یک وزیر تاجیک و یک معاون وزیر هزاره طالبی میخواهند حرف از حکومت با قاعده وسیع زنند.

۸- طالبان با استفاده از کمائی کردن وقت در مورد حقوق زنان و حقوق سیاسی مردم، نه تنها به کشتار ها و زندانی ساختن مخفی و دور از انظار عامه میزنند، با پالیسی عقبگرایانه ضد علوم دانش اکادمیک و دانشگاهی ، عین پالیسی بیست سال قبل را عملی نموده ، با یک جانب دختران را در کسب دانش تحت فشار قرار میدهد، از جانب دیگر دختران تحصیل کرده را در آینده به لشکر بیکاران و خانه نشینان مبدل میسازند. با این سیاست تبعیضی نزدیک به تمامی ادارات دولتی را

بر روی کارکنان زن بسته اند و از ورود آنها هم جلوگیری میکنند. آقای مجاهد ادعا میکند که گویا « در حکومت های قبلی نقش زنان سمبولیک بود، جایگاه زن در شریعت برای زنان خیلی ها بلند است، ما در حکومت آینده «وعده گل نی» نقش زنها را وسیع در نظر میگیریم. این همان حقوق اند که همه اش را از زنان گرفته اند.

۹- طالبان خلاف گفته های شان که گویا این و یا آن بخش کشور به مانند بخش های از یک تن واحد اند، به کوچ های اجباری، کشتار اسیران جنگی و مردمان محلی غیر نظامی دست میزنند.

طالبان که مخفیانه شبانگاه جوانان و بعض سیاستمداران صاحب نفوذ را در شهر کابل و شهر های دیگر از منازل شان بیرون میکشند و آنان را به سرنوشت نا معلوم مواجه میسازند، هیچ یک از عاملین که گویا غیر قانونی به منازل مردم یورش میبرند، را دستگیر نکرده و به مجازات هم محکوم نموده است گویا دست آنان را باز نگهداشته ، ضمانت نموده باشند. .

۱۰- و بلاخره طالبان ادعای و تقاضای به رسمیت شناختن حکومت شان از جانب جامعه بین المللی را دارند ، در حالیکه با بستن اداره حقوق بشر در کابل و ولایات دست یازیدند و میگویند که به این ادارات نیازی ندارند، به کنوانسیون های بین المللی تعهد و تمکین ندارند، همه حقوق مشروع و حقه شهروندی ملت را از مردم غصب نموده اند، حق زنان را خواسته و دانسته زیر پا نموده اند و زنان و ژورنالستان را بخاطر شرکت در حرکت های مسالت آمیز مدنی لت و کوب وحشیانه میکنند ، حالا ادعا دارند که: « اول حکومت ما را برسمیت بشناسید بعد ما بالای حقوق بشر حرف میزنیم»!! این حرف اخیر آقای مجاهد از جانبی در سیاست . بخصوص سیاست بین المللی طفلانه به نظر میرسد و دوم وعده واهی را به جامعه بین المللی میدهند ولی مردم ، بخصوص حلقات چیز فهم کشور شما را از خرام تان میشناسند. امید چشم ها و گوش های جامعه بین المللی هم کور و کر نباشد .

امید و آرزوی ما از دول منطقه بخصوص ازبیکستان، چین، روسیه، ایران این است که نباید ، بمانند تصمیم عجولانه و نابخردانه حکومت جیو بایدن، در برسمیت شناختن با شتاب و عجله شرم و خجالتی ار یک شکست اخلاقی صاحب گردند و در آینده پیوسته بینی شان از جانب همین تروریزم آمیخته با تبعیض طالبی خاک آلود و خون آلود گردد. این نظر، پیام و هوشدار بزرگترین حلقات روشنفکر، تحصیل کرده ها ، منورین آگاه و و چیز فهم جامعه افغانی در داخل و خارج کشور است.